

تأملی بر مفهوم هنر انقلاب اسلامی ایران

حبیبه شریف^۱، فاطمه آقایی نژاد^۲

چکیده:

آن چه امروزه تحت عنوان هنر انقلاب اسلامی ایران شناخته شده است؛ هنری است متأثر از فضای حاکم بر زمان انقلاب که هنرمند، عکس‌العمل خود را حتی اگر شده با یک اثر نشان داده است. تحقیق حاضر با هدف بررسی مفهوم لغوی هنر انقلاب اسلامی ایران تدوین یافته، آن‌گاه عناصر سازنده‌ی این هنر تحلیل خواهد گردید. در طی این تحقیق به این پرسش پاسخ داده خواهد شد؛ عناصر سازنده‌ی هنر انقلاب اسلامی چیست؟ تدوین این پژوهش به شیوه‌ی تحلیلی- توصیفی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

کلیدواژگان: هنر انقلاب اسلامی.

-
- ^۱ کارشناسی ارشد هنرهای اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول: habibe.sharif@yahoo.com - ۰۹۱۳۳۴۹۳۷۹۶
- ^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد هنرهای اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس. f.aghaeinezhad@modares.ac.ir - ۰۹۳۵۶۰۰۸۱۴۳

مقدمه:

انقلاب اسلامی ایران که در دنیا و در نوع خود بی نظیر بود، بحث هنری خاص خود را به همراه داشت و آثار هنری این دوره بازتاب رویدادهای انقلاب است. هم زمان با اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی، نقاشانی که مخالف رژیم حاکم بر جامعه (رژیم پهلوی) بودند، در کنار حرکت‌های مردمی، فعالیت‌های هنری خود را ادامه دادند و پس از پیروزی انقلاب در بهمن ماه ۱۳۵۷ آثار آن‌ها «هنر انقلاب» عنوان گرفت. برخی از هنرمندان و صاحب نظران، هنر انقلاب را با تعارف گوناگون و متفاوتی بیان کرده‌اند که در ذیل به برخی از آن‌ها پرداخته خواهد شد. اما قبل از هر چیزی، بهتر است ابتدا معنا و مفهوم «انقلاب» و «انقلاب اسلامی» و پس از آن، معنا و مفهوم «هنر انقلاب اسلامی» مورد بررسی قرار گیرد. با این فرض که تمامی انواع هنر، عناصری سازنده داشته و بر اساس آن شکل و رونق گرفته است؛ تحقیق حاضر، در پی یافتن عناصر سازنده‌ی هنر انقلاب اسلامی بوده که این مطلب، پاسخ سوال اصلی تحقیق حاضر را شامل می‌شود.

معنای انقلاب و انقلاب اسلامی:

انقلاب (revolution) از مقوله‌ی عصیان، انکار، طغیان، تغییر و دگرگونی است. استاد مطهری در تعریف این واژه می‌گوید: انقلاب چندان احتیاج به تعریف ندارد، «انقلاب عبارت است از طغیان و عصیانی که مردمی علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می‌دهد» (مطهری، ۱۳۸۷: ۵۹). واژه‌ی انقلاب در زبان فارسی کاربردهای متفاوت داشته است. در فقه به معنای استحاله و دگرگونی ظاهری و محسوس، در فلسفه به معنای دگرگونی ذات و حقیقت شیء، در عرفان به معنای تغییرات اساسی حالات روحی و در زبان عامیانه به معنای تغییر و دگرگونی حالات جسمی به کار می‌رفته است. همچنین از دیدگاه جامعه‌شناسی عبارت است از جنبشی سخت و بنیادین که موجب رفع شرایط ناسازگار اجتماعی و جایگزینی شرایط سازگار می‌شود (ایزدپناه، ۱۳۷۸: ۱۰۷). در فرهنگ فارسی معین، انقلاب با این تعریف بیان شده است: دگرگون شدن، زیر و رو شدن، قیام گروهی برای واژگون کردن یک حکومت، ناآرامی، بی‌قراری، هیجان، عصیان و شورش (معین، ۱۳۸۶: ۱۸۹). از نظر شهید محمدباقر صدر، «انقلاب» عبارت است از: نهضتی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معین، که با درک واقعیت‌های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی عمیق و بنیادین، در کلیه‌ی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها اصول و ارزش‌های ریشه‌ای حاکم است (بلم، ۱۳۷۳: ۸۱۹). دکتر شریعتی انقلاب را عمل اکثریت مردم که به صورت تجلی اراده‌ی جامعه که طالب حق تعیین حاکمیت و مسئولیت بر سرزمین خویش است، می‌داند (مطهری، ۱۳۵۹: ۸۲).

با وجود اینکه انقلاب به معنای تحول و تغییر ناگهانی است؛ اما نباید پنداشت که این تحول و تبدیل همواره به یک صورت اتفاق می‌افتد و در نتیجه این لفظ همواره به یک معناست. گاه هست که انقلاب فقط در عوارض است و گاه هست که جوهر و ذات دگرگون می‌شود. در صورت اول جز تغییری ظاهری، محدود و زودگذر روی نمی‌کند؛ اما

در صورت ثانی، انقلاب همه چیز را تغییر می‌دهد: از اعتقادات، سنت‌ها و آداب گرفته تا نظام حکومتی و مدنی. و فقط دومی را باید انقلاب به معنای حقیقی دانست (آوینی، ۱۳۶۸: ۴).

از انقلاب اسلامی تعریف‌های گوناگونی به عمل آمده است. شاید در تعریفی جامع بتوان گفت: تحولی است بنیادین و مبتنی بر تقلین و رهبری پیامبر گونه در بنیان‌های فردی و نهادهای اجتماعی برای انتقال جامعه از هویت زیستی به هویت انسانی - عقلانی و از هویت انسانی - عقلانی به هویت ربانی (ایزدپناه، ۱۳۷۸: ۱۰۷). از نظر حشمت-زاده، انقلاب اسلامی یعنی احیا و تعمق عقاید و احکام اسلامی در افکار و رفتار فرد و جامعه به صورت صریح و همراه با خشونت و خونریزی در جهت نیل به کمال انسانی و اسلامی (حشمت زاده، ۱۳۷۸: ۳۵). بنا بر تعریف عمید زنجانی، انقلاب اسلامی عبارت از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت و بر اساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم است. در این تصویر کلی که از انقلاب اسلامی ارائه شد نقش عمده ایمان و حرکت پیشگام متقیان و ثنوری امامت و قیام قهرآمیز مردم در انقلاب، نشانگر ایدئولوژیک بودن انقلاب اسلامی است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۴: ۲۲). به طور کلی می‌توان گفت: انقلاب اسلامی تحولی است مبتنی بر اسلام و برای اسلام، محور و هدف آن، خداوند است و لازمه‌ی آن، نفی هرچه غیر خدا و دگرگون کننده درون و بیرون انسان. در انقلاب اسلامی، مبارزه، وسیله و ابزار است و اسلام، هدف. لذا به کلی متفاوت از دیدگاه و عملکرد کسانی است که اسلام را ابزار و مبارزه را هدف تلقی می‌کنند؛ یعنی قائل به «اسلام انقلابی» اند. اسلامی که مورد توجه و مبنای عمل گروه‌هایی چون، فرقان و منافقین بود (آموزش و پژوهش سیما، ۱۳۹۲: ۱۶).

معنای هنر انقلاب اسلامی:

با سقوط حکومت پهلوی و ظهور انقلاب اسلامی، شرایطی به وجود آمد که بسیاری از هنرمندان آثار بدیعی با موضوع انقلاب اسلامی به وجود آورند. در چنین شرایطی، هنرمندان بر اساس فضای معنوی همسو با فرهنگ اسلامی، کیان هنر انقلاب اسلامی را پی نهادند. در حقیقت هنر انقلاب را بایستی یکی از دوره‌های درخشان فرهنگ و هنر در تاریخ ایران به شمار آورد. هنرمندان این دوره با برداشتی ماهرانه از مبانی کهن ایرانی - اسلامی، منطبق با مبادی نوین هنرهای معاصر پا به عرصه‌ی وجود نهادند تا بر اساس عناصر هنر ایرانی و فضای معنوی همسو با فرهنگ اسلامی، شاکله‌ی هنر انقلاب اسلامی را پی نهند (خزائی، ۱۳۹۲: ۱).

هنر انقلاب، بازتاب ایده‌های موجود در جهت انقلاب است. آثار انقلاب، آثاری است که تبلور و تجلی ایده‌های اصلی انقلاب در محتواست. اگر دغدغه یا محتوای پنهان اثری احیای یکی از شعارهای انقلاب یا تلاش در جهت تبیین هنری یکی از شعارهای اصلی انقلاب باشد، جزء هنر انقلاب طبقه بندی می‌شود (بلخاری، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

هنر انقلاب از یک سو آینه‌ی معراج عاشقانه‌ی هنرمند به محضر ربوبیت و تمثّل حسن و جمال الهی در صورت‌های خیالی است و از دیگر سو، بازتاب حضور عارفانه و دردمندانه‌ی او در عرصه‌های دفاع از آزادی و عزت انقلاب. این چنین صور و مضامین هنر غرب و غرب‌زده که حاصل هبوط بشر از بهشت ایمان به دوزخ خودبینی و ظاهر پرستی است، در هنر انقلاب نفی و رفع می‌شود و صورت‌ها و معانی جدیدی به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب به ظهور می‌رسد. به این اعتبار، هنر انقلاب، مردمی است؛ اما این مردمی بودن با عوام‌زدگی و ابتذال یکی نیست و از زیبایی و غنای آن چیزی نمی‌کاهد. . . هنر انقلاب مردمی است چون فطرت پاک و خدایی مردم را مخاطب قرار می‌دهد و آنان را به تذکر و تأمل در حقیقت انقلاب دعوت می‌کند... (تجدید میثاق، ۱۳۷۸: ۹۶).

بدون تردید، در چارچوب واژه‌های کلی که برای هنر انقلاب به کار می‌رود، نمی‌توان به تعداد زیاد و موضوع‌ها و مفاهیم متنوعی دست یافت، زیرا همه‌ی هنرمندان انقلاب و بالطبع آثار متعلق به آن در یک فضای معنوی واحد آفریده نشده‌اند، یا بهتر آن است که گفته شود استنباط‌ها و تأثیرهای معنوی متفاوت هنرمندان، از نظر چگونگی و عمق ماندگاری و حتی توان ترجمه‌ی آن به بیان تصویری در عرصه‌ی فرم و رنگ و فضا با یکدیگر متفاوت بوده است. به همین دلیل، تعلق به یک نسل یا یک دوره، تنها ملاک برای تبیین و تفسیر همبستگی‌ها و موارد مشابه حسی، اجتماعی، انسانی و معنوی نیست. بر این اساس، در درون گروهی که برای انقلاب و متأثر از آن به خلاقیت هنری پرداخته‌اند، صرف نظر از گرایش ایدئولوژیکی آن‌ها می‌توان توافقی‌ها و تفاوت‌های فراوانی را مشاهده کرد (گودرزی، ۱۳۸۷: ۲۲).

شاخصه‌های هنر انقلاب اسلامی:

انقلاب اسلامی عبارتست از پدیده‌ای که از ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ با یک تظاهرات مردمی از شهر قم در اعتراض به توهین روزنامه اطلاعات به یک رهبر دینی یعنی آیت الله خمینی آغاز می‌شود. با سرکوب این تظاهرات توسط رژیم شاه اعتراضات مردمی در قالب بزرگداشت‌های دوره‌ای چهار روزه شهدا در شهرهای مختلف ایران شکل می‌گیرد. رهبری این حرکت فزاینده و گسترده مردمی با امام خمینی است که از شبکه روحانیت و مساجد مدد می‌گیرد و ایدئولوژی تغذیه کننده آن اسلام و به طور خاص مذهب شیعه است (اسلام پویا و سیاسی)، حرکت اعتراضی و ساده‌ی اولیه با تکیه بر ایدئولوژی و رهبری امام به تقاضای تغییر و تحول بنیادین تغییر شکل داد و تغییر رژیم سیاسی و سرنگونی رژیم پهلوی به یکی از تقاضاهای بنیادین تبدیل می‌شود و با سرکوب رژیم شاه مشارکت تظاهراتی مردم در قالب یک حرکت عمیق انقلابی و گسترده استمرار می‌یابد، تظاهرات‌های روزهای تاسوعا و عاشورای ۵۷ باعث اوج گیری آن می‌شود و شاه ناچار در ۲۶ دی ماه ۵۷ ایران را ترک می‌کند. امام خمینی در ۱۲ بهمن ۵۷ در میان استقبال میلیونی به کشور باز می‌گردد و انقلاب پس از سه روز درگیری مسلحانه در ۲۲ بهمن ۵۷ ملت ایران به پیروزی می‌رسد و این حرکت انقلابی در ۱۲ فروردین ۵۸ با رأی مردم به استقرار نظام جمهوری اسلامی در پی تغییر

رژیم سیاسی در ایران توفیق می‌یابد و این تحول یعنی آغاز تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی در جامعه‌ی ایران بر پایه‌ی اسلام (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۰). با این مقدمه، می‌توان گفت: که هنر انقلاب در تعریف خود حداقل باید شش شاخص «حضور مردم»، «ایدئولوژی مشخص»، «رهبری هدایت‌گر» با هدف ایجاد و «تغییر بنیادین» همراه با «خشونت» و بالاخره «شدت و سرعت» رخداد در فاصله معین را داشته باشد.

۱- حضور مردم: در انقلاب بخش عمده‌ای از جمعیت به شکلی مؤثر بسیج می‌شوند. مشارکت مردمی در انقلاب مستلزم عناصری مانند سازماندهی توسط رهبری یا حزب و ایدئولوژی است.

۲- ایدئولوژی مشخص: وقوع انقلاب اسلامی در ایران با تکیه بر ایدئولوژی خاص، رهبری آگاه و مردمی پرشور نشان داد که این انقلاب جبری و به دور از اراده و تفکر نیست. بلکه پیامد اندیشه سیاسی خاصی است که حتی در شرایطی که نظریه پردازان انقلاب، امکان وقوع انقلاب را منتفی می‌دانند، می‌تواند تحول عظیم در ساختارهای مختلف جامعه به وجود آورد و نظامی دیرپا را که از حمایت‌های داخلی و خارجی برخوردار است به نابودی بکشاند و هرچه ایدئولوژی قوی‌تر باشد، بسیج گروه‌ها گسترده‌تر خواهد بود. عنصر ایدئولوژی شامل مجموعه‌ای از عناصر تعیین کننده است که قاعدتاً در هنر انقلاب اسلامی حضور دارد.

۳- رهبری هدایتگر: بدیهی است که افرادی می‌توانند عهده دار رهبری انقلاب اسلامی شوند که در متن فرهنگ اسلامی پرورش یافته باشند و با قرآن و سنت و فقه و معارف اسلامی آشنایی کامل داشته باشند. بر این اساس، تنها روحانیت است که می‌تواند نهضت اسلامی را رهبری کند (آموزش و پژوهش سیماء، ۱۳۹۲: ۱۶).

۴- تغییر بنیادین: انقلاب به معنی تغییر، دگرگونی، تحولات عمیق و زیربنایی را در حوزه‌ی ارزش‌ها در پی دارد و ارزش‌های جدید جایگزین ارزش‌های پیشین می‌شوند.

۵- خشونت: در روند انقلاب اصولاً اعمال زور و خشونت به گونه‌ای متقابل اجتناب ناپذیر است؛ زیرا نه حکومت بدون مقاومت تسلیم انقلابیون می‌شود و نه انقلابیون در صورت لزوم از اعمال خشونت پرهیز می‌کنند.

۶- شدت و سرعت: با وجود روند شکل‌گیری نسبتاً طولانی انقلاب‌ها، ظهور انقلاب، سریع و ناگهانی اتفاق می‌افتد.

دکتر صادقی در رابطه با مردمی بودن هنر انقلاب می‌گوید: «در مورد هنر انقلاب، هنرمندان یک خود سفارشی داشتند؛ حدیث جوشش خودشان بود و آن حقیقت را که در مردم هم متجلی بود، تسری می‌دادن و نقاشی می‌کردند و مخاطب، خود هنرمند و مردم بودند که داوری می‌کردند. هنرمند آن تجلیاتی که از مردمش در درونش شکل گرفت، تصویر می‌کرد و نسبت به پدیده‌ها و باورهایی که حتی در درون خودش نقش نشده بود و آن‌ها را در فعل و عمل

مردم می‌دید، نوعی تعالی‌خواهی داشت؛ شهید را معرفی می‌کرد و عدالت خواهی را. خودش هم همراه مردم رشد می‌کرد (اکبرزاده، ۱۳۸۵: ۴۳).

عناصر سازنده‌ی هنر انقلاب اسلامی:

شکوفای شدن هنر معنوی دینی در ایران مقارن با ظهور انقلاب اسلامی بود و انقلاب، عهد مجدد انسان با خدای اسلام بود. این تعهد امری را با خود به همراه داشت که جان عاشقانش را می‌سوزاند و نوای این سوختن را در کارها و آثارشان نشان می‌داد. امام امت، شهادت مردان خدا را هنر نامید و باب بحث جدیدی را آغازید که هنرهای خاص نیز متأثر از آن فضا شد، گاهی هنر به معنای عام به کار می‌رود و بیشتر معنای فضیلت و کمال می‌دهد، همان‌طور که امام، شهادت را هنر دانستند و گاهی هنر معنای خاصی دارد که همان صورت‌های خیالی موجود در تاریخ بشر است که شعر، نقاشی، موسیقی و ... آن را در بر می‌گیرد. همه چیز برای به وجود آمدن و بقا، نیازمند عناصری سازنده است که هنر نیز از این قاعده مستثنا نیست. گاه این عناصر سبب رشد و تعالی آن هنر شده و گاه آن را به سمت سقوط و افول سوق می‌دهد.



تصویر ۱- یا تارالله. ناصر پلنگی، ۱۳۵۹

هنر انقلاب و فضای غالب آن، به طور موقت، یک فرهنگ بصری را طلب کرد که با تغییر فرهنگی انقلاب این فرهنگ بصری نیز دگرگون شد؛ این فرهنگ بصری، بازسازی یک «درک زیبایی‌شناختی مفهومی» بود که بیشتر از فرم بر روی «سوز و موضوع» در ابتدای انقلاب، و با دور شدن از سال‌های ابتدای نهضت بر روی «مفهوم و نماد» متمرکز بود (گودرزی، ۱۳۸۷: ۹۰). پس با این اوصاف باید گفت: یکی از عوامل و عناصر شکل‌دهنده و سازنده‌ی هنر انقلاب، در طول دوره‌های مختلف، «حضور عناصر نمادینی» است که ریشه در سنت و آداب معنوی دارد (تصویر ۱). حضور این عنصر، با قوت و ضعف، همچنان تا به امروز در آثار هنری ادامه داشته است. با نگاهی به آثار هنری دوره‌ی فوق‌الذکر در می‌یابیم که ارزش‌های معنوی و نمادگرایی از جایگاه والایی برخوردار است. هنرمندان انقلاب با لطافت معنوی، هنر قبل از انقلاب را به سوی هنری با هویت ایرانی سوق دادند. از نگاهی دیگر، هنرمندان بسیار مشتاق بودند و هستند تا آثار خود را در قالب طرح و فرم‌های

زیبایی ارائه دهند و جهانیان را به فرهنگ و هویت ایرانی خویش ارجاع دهند(خزائی، ۱۳۸۹: ۲).

از جمله مواردی که می‌توان به آن به عنوان عنصر یا عناصر سازنده‌ی هنر انقلاب اسلامی اشاره کرد که به نوعی با عنصر نماد در ارتباط می‌باشد؛ استفاده از عناصر و الگوهای کهن(سستی) است که در آثار هنری این دوره حضور جدی دارد. هنرمندان انقلاب با به کار بردن این عناصر در آثار خود، یک تجربه‌ی نو را در آثار خود آزمودند و جایگاه ویژه‌ای را در هنرهای دوره‌ی معاصر به خود اختصاص دادند. به طور مثال، خزائی، حضور عناصر نگارگری در نقاشی و پوسترها را شاهد این ادعا می‌داند. در بسیاری از این پوسترها، حضور نقش درخت سرو(تصویر ۲)، هاله نوری نقوش تزئینی(تصویر ۳) و ... همگی برگرفته از عناصر نقاشی ایرانی با مفهوم نمادین نویی منطبق با مبادی هنرهای تجسمی ارائه شده‌اند(خزائی، ۱۳۹۲: ۲).



تصویر ۲- چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد.
کاظم چلیپا، ۱۳۶۳



تصویر ۳- معراج شهید. محمدعلی رجیبی

از دیگر عناصر تشکیل دهنده‌ی هنر انقلاب «اخلاق» است. آن چنان که رهنورد در کتاب حکمت هنر اسلامی، اخلاق را در هنر انقلاب یک رکن دانسته و معتقد است که سوژه‌های برگزیده شده توسط هنرمند با نگاه و از منظر اخلاق پرورش پیدا کرده و با نگاهی دینی آمیخته می‌گردد(رهنورد، ۱۳۷۸: ۴). همچنین وی معتقد است که این بدان معنا نیست که دست هنرمند در انتخاب سوژه‌ها بسته باشد، بلکه از آن روی است که ما را ملزم کند به مسائل غیر اخلاقی، چون جنایت، فحشا، دزدی و فسق، با دقت و ظرافت و حتی با استفاده از بیان سمبلیک و به قصد ارتقای اخلاقی نزدیک شویم(رهنورد، ۱۳۷۹: ۷۱). بلخاری نیز عقیده دارد که انقلاب با کلیه‌ی گرایش‌های منفعلانه و مقلدانه

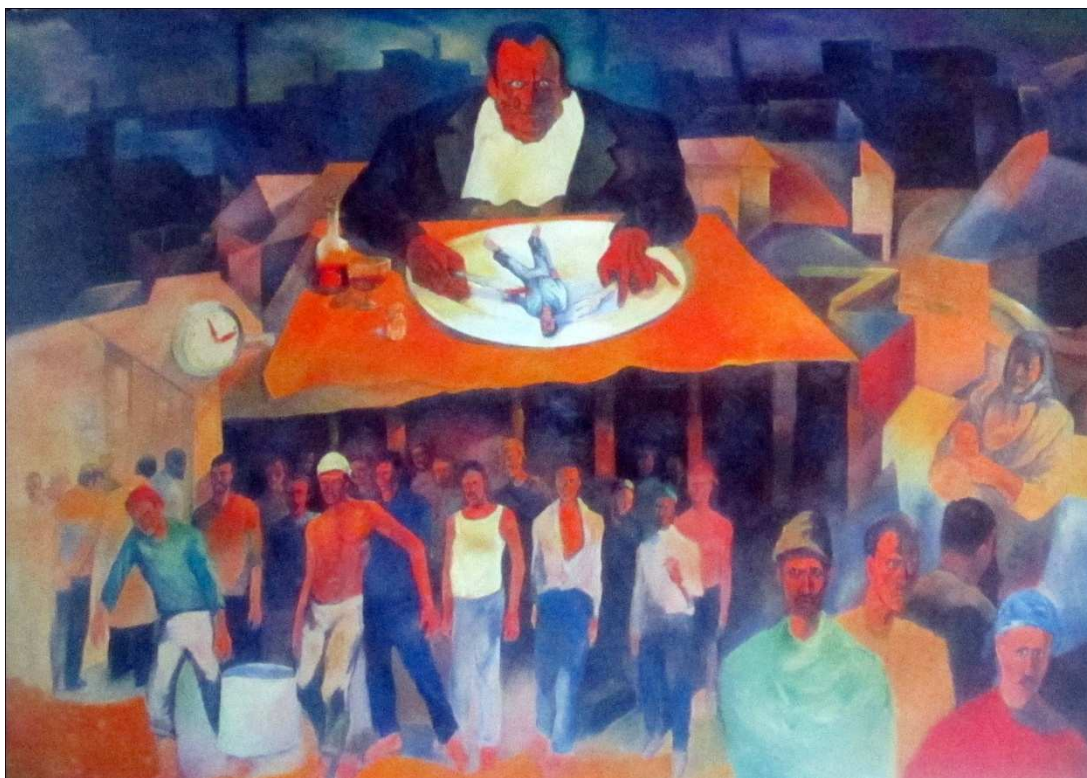
در رشته‌های مختلف هنر به مقابله برخاسته و فضای دیگری را ایجاد می‌کند که تصویری از وجه اخلاقی انقلاب است و مخاطب خود را انسان متخلق به اخلاق می‌خواهد. از این رو هرچه اثر اخلاقی‌تر باشد به مفهوم هنر انقلاب نزدیک‌تر است و اگر با اخلاق فاصله بگیرد، از جهت اصلی انقلاب دور می‌شود (بلخاری، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

عنصر دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد؛ «انسان» است که در نقاشی، پوستر، کاریکاتور، گرافیک و ... آن دوره، نقش بسزایی را ایفا می‌کرد و این عنصر در اکثریت آن‌ها دیده می‌شد. معمولاً انقلاب‌ها از آن روی که ناظر به رهایی انسان از ظلم و بی‌عدالتی و استثمارند علاقه به انسان و مسائلی که حول شادی‌ها و رنج‌های او شکل می‌گیرد در بطن خود می‌پرورند. این از عناصر مشترکی است که در انقلاب‌های فرانسه، شوروی و مکزیک و هم در انقلاب اسلامی ایران دیده می‌شود. تصاویر و صحنه‌های مربوط به دل‌سوزی و ابراز عاطفه و حمایت از انسان‌های دردمند (تصویر ۴) و حالت متضاد آن، ابراز خشم و انزجار نسبت به ظالمین و مستکبرین (تصویر ۵)، از جمله مضامینی است که به وفور در آثار هنرمندان دیده شده است (رهنورد، ۱۳۷۹: ۷۳-۷۴).



تصویر ۴- مرثیه. ناصر پلنگی، ۱۳۶۱

آخرین و به نوعی می‌توان گفت مهم‌ترین عنصر تشکیل دهنده‌ی هنر انقلاب اسلامی ایران، «دین و مذهب» است. بسیاری معتقدند، هنر در انقلاب اسلامی - یعنی هنری که باید به انقلاب و بنیان‌های فکری آن پاسخ دهد- هنری است که خالقان آن حاکمیت مطلق الهی را بپذیرند و در واقع جهت‌گیری هنر را به منشأ آن تعریف می‌کنند: «آن چه منشأ و منبع ارزش‌های یک هنرمند است در جامعه‌ی اسلامی همان الله است که سرچشمه همه‌ی ارزش‌ها و همه‌ی هستی‌هاست» (حداد عادل، ۱۳۵۹: ۲۶).



تصویر ۵- پدیده‌ی بهره‌کشی، حبیب‌الله صادقی، ۱۳۵۸

جمع‌بندی:

انقلاب یکی از پدیده‌های نادر، جذاب و پیچیده‌ی اجتماعی می‌باشد که تبیین آن متضمن در نظر گرفتن وجوه متعدد و متنوع دخیل در ظهور آن است. انقلاب اسلامی ایران به مثابه جنبشی دینی که متأثر از قیام مسلحانه امام حسین(ع) بوده است در بردارنده نگاه حسینی به زمانه می‌باشد و ترجیحاً آرمان‌های دینی را به عنوان اهداف برنامه‌های فرهنگی جامعه در حوزه‌های مختلف برگزیده و برای این‌گزینه‌ها هزینه‌های سنگینی را تاکنون متحمل گردیده است. به عبارت دیگر اصلی‌ترین عنصر فرهنگی در انقلاب ایران و به خصوص در هنر انقلاب ایران، که ماهیت آن را متمایز از دیگر انقلاب‌ها می‌سازد؛ حضور پررنگ و هدایتگر «دین» است. مسجد و حوزه‌ی علمیه به عنوان پایگاه نهضت، حضور خودجوش مردمی بر اساس ایمان و اعتقاد، به رهبری امام خمینی و بر اساس ایدئولوژی اسلامی نشان‌دهنده‌ی ماهیت اسلامی انقلاب و هنر انقلاب است.

در جمع‌بندی‌ای کلی می‌توان عناصر سازنده‌ی هنر انقلاب اسلامی را به پنج گروه اصلی تقسیم کرد که شامل موارد ذیل می‌شود: ۱- دین و مذهب، ۲- حضور عناصر نمادین، ۳- استفاده از عناصر و الگوهای کهن(سنتی)، ۴- اخلاق، ۵- انسان.

منابع:

- ۱- اداره کل آموزش و پژوهش سیما (۱۳۹۲)، مفهوم انقلاب اسلامی. پایگاه اطلاع رسانی اداره کل آموزش و پرورش معاونت سیما، ۱۳ دی ماه.
- ۲- اکبرزاده، مجید(۱۳۸۵)، نسل سوم هنر انقلاب و ضرورت مراقبه فردی، سوره، شماره ۲۴.
- ۳- ایزدیناه، عباس(۱۳۷۸)، مقدمه‌ای بر مبانی فرهنگ و تمدن انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی، سال اول، پیش شماره دوم.
- ۴- آوینی، سید محمد(۱۳۶۸)، هنر انقلاب و پاسبانان هنر منسوخ، نشریه سوره، دوره اول، شماره نهم.
- ۵- بلخاری، حسن(۱۳۸۹)، انقلاب هنر، انقلاب ناتمام، زین کلک خیال انگیز: سیر حکمت هنر معنوی، دوره‌ی جدید، شماره یک و دو، خرداد و تیر.
- ۶- بلرم، ویلیام تی(۱۳۷۳)، نظریه‌های نظام سیاسی (جلد دوم). ترجمه‌ی احمد تدین، چاپ اول، تهران: آران.
- ۷- تجدید میثاق: گزیده‌ای از مقالات، گفت و گو و سخنرانی‌ها پیرامون نقاشی انقلاب(۱۳۷۸)، تهران: مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام(ره).
- ۸- حداد عادل، غلامعلی(۱۳۵۹)، منشأ ارزش‌های هنرمند الله است، نشستی با حداد عادل، سروش، شماره ۷۶، ۲۴ آبان.
- ۹- حشمت زاده، محمدباقر(۱۳۷۸)، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، تهران مؤسسه فرهنگی دانشو اندیشه معاصر.
- ۱۰- خرمشاد، محمدباقر(۱۳۹۱)، تمدن اسلامی - ایرانی الهام بخش موج سوم بیداری اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- ۱۱- خزائی، محمد(۱۳۸۹)، هنر انقلاب اسلامی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۹، بهمن ماه.
- ۱۲- خزائی، محمد(۱۳۹۲)، سی سال هنر انقلاب اسلامی، www.tajasomi.ir
- ۱۳- رهنورد، زهرا(۱۳۷۸)، حکمت هنر اسلامی، تهران: سمت.
- ۱۴- رهنورد، زهرا(۱۳۷۹)، هنر انقلاب اسلامی. هنر دینی، شماره ششم، زمستان.
- ۱۵- شریعتی، علی(بی تا)، علی(ع)، مجموعه آثار ۲۶، مبحث امت و امامت، تهران: نیلوفر.
- ۱۶- عمیدزنجانی، عباسعلی(۱۳۸۴)، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران: طوبی.
- ۱۷- گودرزی، مرتضی(۱۳۸۷)، نقاشی انقلاب: هنر متعهد اجتماعی، دینی در ایران، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۸- مطهری، مرتضی(۱۳۸۷)، آینده انقلاب اسلامی، تهران: صدرا.
- ۱۹- معین، محمد(۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی معین(یک جلدی)، چاپ یازدهم، تهران: معین.